

تحلیل جرم

«اخلال در نظام اقتصادی کشور»

از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران*

- حسین سمیعی زنوز^۱
- محمدجعفر حبیب‌زاده^۲
- محمود صابر^۳

چکیده

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور به منظور مقابله با مجرمان اقتصادی در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. بند «ه» از ماده ۱ این قانون، قبول سپرده اشخاص منتهی به حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی کشور را جرم‌انگاری کرده است. شرایط تحقق بزه فوق، شرایط شمول عنوان افساد فی الارض بر رفتار مرتکب و تعدد معنوی عنوان مذکور با عناوین مجرمانه‌ای همچون کلاهبرداری و اشتغال غیرمجاز به عملیات بانکی، دارای ابهاماتی است که نیازمند تحلیلی نقادانه و همه‌جانبه است.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۸.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (h.samie1987@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس (habibzam@modares.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه تربیت مدرس (m.saber@modares.ac.ir).

این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که آیا با وجود عناوین مجرمانه‌ای همچون کلاهبرداری، عنوان مجرمانهٔ اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپردهٔ اشخاص، مجالی برای استناد در محاکم می‌یابد؟

تحلیل قوانین و مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و بررسی رویهٔ قضایی مشخص می‌سازد که به دلیل ابهامات موجود در تعریف برخی واژگان کلیدی در متن قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و دشواری احراز عناصر تشکیل‌دهندهٔ بزه فوق، عنوان مجرمانهٔ مندرج در بند «ه» مادهٔ ۱ قانون مذکور با وجود عناوین مجرمانهٔ مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری ۱۳۶۷ و همچنین مادهٔ ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجال چندانی برای استناد در محاکم نیافته‌اند، از این رو جرم‌زدایی آن پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: نظام اقتصادی کشور، قبول سپرده، افساد فی الارض، عملیات بانکی، قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران، شرکت مضاربه‌ای.

مقدمه

در برخی موارد، جرم‌انگاری در حوزهٔ فعالیت‌های اقتصادی، متأثر از بحران‌های پیش‌آمده در جامعه و در مقام پاسخ‌گویی به انتظارات عمومی در مبارزه و مقابله با این بحران‌ها بوده است که دلیل این امر به طور معمول، دخالت دادن عواطف و احساسات قانون‌گذار در تصویب یک قانون و عوام‌زدگی قانون‌گذار و بهره‌نداشتن از یافته‌های علم جرم‌شناسی است (روستایی، ۱۳۸۸: ۵). در بیشتر کشورها، جرم‌انگاری در حوزهٔ فعالیت‌های اقتصادی، بیانگر نوعی واکنش سیاسی به دغدغه‌های جمعی در مورد رفتارهای نابهنجاری است که از طریق تبلیغات رسانه‌های جمعی در کانون توجه مخاطبان قرار می‌گیرند (Ashworth & Horder, 2013: 23).

در راستای همین رویکرد، در اواخر دههٔ شصت در ایران، افزایش انجام عملیات بانکی خارج از نظام بانکی و تأسیس شرکت‌هایی موسوم به «شرکت‌های مضاربه‌ای»^۱

۱. شرکت‌های مضاربه‌ای با توسل به عقود بانکی و اسلامی همچون مضاربه و مشارکت مدنی و با دادن وعدهٔ سودهای کلان در کوتاه‌مدت، سپرده‌های کلان سرمایه‌گذاران را جذب کرده و چند برابر آن را وام می‌دادند یا ماهانه سود پرداخت می‌کردند و برخی از آن‌ها بعد از مدتی با حیف و میل اموال سپرده‌گذاران متواری می‌شدند. در اوایل دههٔ هفتاد و بعد از طرح شکایت‌هایی علیه آن‌ها و فضا سازی مطبوعاتی، اغلب آن‌ها ورشکسته شدند. مدیر یکی از معروف‌ترین آن‌ها به اتهام کلاهبرداری و اخلال در نظام اقتصادی کشور و افساد فی الارض به اعدام محکوم شد و این مجموعه‌ها برای مدتی از گردونهٔ اقتصادی کشور خارج شدند.

که از طریق جمع‌آوری سپرده‌های نقدی مردم، اقدام به انجام عملیات بانکی همچون اعطای وام و نظایر آن می‌کردند و در بسیاری مواقع علاوه بر حیف و میل اموال افراد یا سودجویی‌های مختلف، نظم اقتصادی کشور و قدرت کنترل دولت بر منابع اقتصادی را بر هم می‌زدند، در کنار برخی زمینه‌های دیگر، موجب شتاب‌زدگی قانون‌گذار در تصویب «قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور»^۱ با ضمانت اجراهای سنگین به منظور مقابله با مفسدان اقتصادی شد. در همین راستا، بند «ه» از ماده ۱ قانون فوق، قبول سپرده کلان اشخاص منتهی به حیف و میل اموال یا اخلال در نظام اقتصادی کشور را جرم‌انگاری و مجازات‌های سنگینی تا سرحد اعدام نیز برای آن پیش‌بینی کرد:

وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا^۲ اخلال در نظام اقتصادی کشور شود....

برای تحقق بزه فوق، فرد یا افرادی اغلب به صورت سازمان‌یافته و با تبلیغات موهوم و دادن وعده‌هایی واهی نظیر پرداخت سودهای کلان در کوتاه‌مدت، اقدام به جذب وجوه نقدی اشخاص در سطح وسیع، در قالب عقود همچون مضاربه و مشارکت مدنی کرده و سپس همراه با وجوه مأخوذه متواری شده و زمینه حیف و میل اموال مردم را فراهم می‌نمایند. در این میان، حجم وجوه مأخوذه از اشخاص به اندازه‌ای کلان است که موجب اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌شود. تحلیل ارکان متشکله رفتار مجرمانه فوق، معرّف رفتار مجرمانه موضوع مقررّه اخیر خواهد بود.

۱. این انتقاد وارد است که اخلال و اختلال در نظم عمومی از عناصر تشکیل‌دهنده بزه محسوب می‌شود و در حقیقت در تعریف آن می‌گنجد. پس قانون‌گذار نباید از این عنوان در تدوین قانون استفاده نماید. در ادامه به لحاظ رعایت اختصار، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، با عبارت اختصاری «ق.م.ا.ن.ا.ک.» (۱۳۶۹)، قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۹ با عبارت اختصاری «ق.ت.م.م.ا.ا.ک.» (۱۳۶۷) و قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب ۱۳۸۳ با عبارت «ق.ت.ب.غ.م.ب.» (۱۳۸۳) مورد تصریح قرار می‌گیرند.
۲. همان‌طور که در ادامه می‌آید، استفاده قانون‌گذار از حرف «یا» میان دو عبارت «حیف و میل اموال مردم» و «اخلال در نظام اقتصادی کشور» را باید حمل بر مسامحه قانون‌گذار نمود و تحقق توأمان هر دو نتیجه فوق را برای تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور ضروری دانست.

نوشتار حاضر به تحلیل ارکان متشکله جرم وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص، منتهی به حیف و میل اموال مردم یا اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌پردازد و با مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس ناظر بر تصویب قانون مذکور و همچنین رویه قضایی موجود و تعامل عنوان مجرمانه مذکور با عناوین مجرمانه‌ای نظیر کلاهبرداری و اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی، در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا ادامه حیات عنوان مجرمانه مذکور ضروری است یا خیر؟

برای پاسخ به این پرسش، مقاله حاضر در سه گفتار سامان یافته است. در گفتار نخست، ارکان تشکیل‌دهنده جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در گفتار دوم تعدد معنوی جرم مذکور یا عناوین مجرمانه کلاهبرداری و اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی بررسی می‌شود. گفتار پایانی نیز به ارزیابی مجازات مقرر برای جرم اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص اختصاص یافته است.

۱. تحلیل ارکان تشکیل‌دهنده

ارکان جرم، عناصر و اجزایی هستند که اساس و کیان جرم را تشکیل داده و تحقق جرم منوط به اجتماع آنهاست و در صورت فقدان هر یک از آنها، جرم قانوناً تحقق نمی‌یابد. بیشتر حقوق‌دانان ایرانی، تحقق جرم را منوط به اجتماع ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و روانی دانسته و معتقدند که در صورت فقدان هر یک از آنها، جرمی به وقوع نمی‌پیوندد.

در مقابل، برخی دیگر از حقوق‌دانان با عنایت به حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات، معتقدند که رکن قانونی در طول ارکان مادی و روانی قرار داشته و تحلیل رکن قانونی هم‌عرض ارکان مادی و روانی جرم صحیح نیست (استفانی و لواسور و بولوک، ۱۳۸۳: ۳۰۸/۱). در ادامه با تبعیت از دیدگاه اخیر، از بیان مطالب مرتبط با رکن قانونی جرم اجتناب گردیده و تنها ارکان مادی و روانی بزه اختلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۱. رکن مادی

در این قسمت، رکن مادی بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد. مباحث مرتبط با عنصر مادی جرم، تحت سه عنوان رفتار فیزیکی، شرایط لازم برای تحقق جرم و نتیجه مجرمانه مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱-۱-۱. رفتار فیزیکی

وصول و جمع‌آوری وجوه از مردم، رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم است. وصول وجوه از اشخاص، اغلب با انجام مانورهای متقلبانه و تبلیغات موهوم و گسترده صورت می‌پذیرد؛ به نحوی که افراد با اراده خویشتن و چه بسا با اصرار و به امید کسب سود فراوان در کوتاه‌مدت، وجوه و پول‌های خود را نزد این اشخاص و مؤسسات سپرده‌گذاری می‌نمایند.

۲-۱-۱. شرایط لازم برای ارتکاب جرم

وجود چهار شرط مهم برای تحقق این جرم ضروری است:

۱. با توجه به اینکه کلمه «وجوه» ظهور در پول دارد، شرط نخست تحقق بزه فوق، «وجه تلقی شدن اموال دریافتی از مردم» است. بنابراین دریافت اموال منقول و غیرمنقول و اشیای قیمتی از مردم همچون طلاهای مردم از شمول این ماده خارج است (زراعت، ۱۳۹۱: ۴۰۱).

۲. شرط دوم تحقق بزه فوق که ناظر بر موضوع جرم است، «کلان بودن وجوه» دریافتی است. شرط کلان بودن وجوه دریافتی نیز معیار مبهمی است که سبب تفاسیر متفاوت قضایی و صدور آرای متعارض در موارد مشابه می‌شود. چنین امری خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل شفافیت در قانون‌نویسی است؛ برای مثال ممکن است که یک قاضی، دریافت ده میلیارد تومان از مردم در قالب سپرده را کلان محسوب کند و قاضی دیگر در خصوص دریافت همین میزان وجه، نظر خلاف داشته باشد. با عنایت به اختیار و نه تکلیف مرجع قضایی در جلب نظر مراجع ذی‌ربط برای احراز عمده و کلان بودن وجوه دریافتی و با توجه به امکان تحمیل مجازات‌های سنگینی چون اعدام برای رفتار مجرمانه فوق، وجود ابهامات این‌چنینی که موجب تفاسیر

متفاوت و تشتت در آرای قضایی است، غیر قابل توجیه است.

مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس در خصوص تصویب ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) مشخص می‌سازد که تعریف معیار کلان و عمده و تعیین حدود و ثغور آن در قانون، دغدغه برخی نمایندگان مجلس نیز بوده است.^۱

۳. شرط سوم اینکه وجوه باید به عنوان سپرده تودیع شوند. در اغلب موارد، سپرده‌گذاری در قالب عقود همچون مضاربه، مساقات و مزارعه انجام می‌شود. حتی در مواردی که سپرده‌گذار قصد مشارکت ندارد، طرفین به منظور انصراف تهمت رباخواری از خود، به صورت ظاهری مبادرت به تنظیم قرارداد مشارکت می‌نمایند. کلیه عقود فوق، مشمول عقد مشارکت مدنی (در مفهوم عام) هستند.

شرکت مدنی در دو معنای عام و خاص^۲ به کار می‌رود. در معنای عام، «شرکت» عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه مقصد دیگر، سرمایه یا کار خود را در میان می‌نهند تا به سود مشاع یا مشترک نائل آیند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۹۹).

در این تعریف علاوه بر عقود معینی از قبیل مضاربه، مزارعه، مساقات و عقد شرکت موضوع ماده ۵۷۱ قانون مدنی، برخی از قراردادهای دیگری که در قالب عقود معینه مذکور در قانون مدنی نمی‌گنجد، مشمول عقد شرکت هستند. بنابراین هر قراردادی که به وسیله طرفین به قصد تحصیل سود و بر اساس اصل آزادی و حاکمیت

۱. یکی از نمایندگان مجلس سوم در صحن علنی مجلس اظهار می‌دارد: «... نوشته‌اند "به صورت عمده". این را باید تعریف می‌کردند؛ یعنی لااقل مقدارش را می‌گفتند که آقا از این مقدار به بالا عمده است. تبصره‌ای هم شما نیاوردید که بیان بکنید. شما فقط گفته‌اید قاضی تشخیص می‌دهد که کجا کلان است، کجا عمده است و کجا عمده و کلان نیست. اینکه برادر من نمی‌شود. آن وقت به عدد قضات دادگاه‌های این مملکت، شما تشخیص‌های گوناگون در رابطه با کلان و عمده خواهید داشت. ما که نمی‌خواهیم در مملکت تعارض و تناقض در آرا و این چیزها ایجاد کنیم. این وظیفه و شأن مجلس است که عمده و کلان را لااقل ببیند و حداقل و حداکثرش را بیان بکند.... اگر قاضی اشدالمعاقبین باشد یک جور برخورد می‌کند. ارحم‌الراحمین باشد یک جور دیگر برخورد می‌کند. باید "کلان" مشخص بشود...» (روزنامه رسمی، ۱۳۶۹/۴/۲۷: ش ۶۸/۱۳۳۴۸).

۲. تعریف شرکت در مفهوم خاص خود در ماده ۵۷۱ قانون مدنی آمده است: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه».

اراده، موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی منعقد گردد، در چهارچوب عقد شرکت در معنای عام قرار دارد.

عقد شرکت مدنی در معنای خاص در ماده ۵۷۱ قانون مدنی بدین شرح تعریف شده است:

شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه.

۴. شرط دیگر تحقق بزه فوق، دریافت وجوه از «مردم» است. نظر به اینکه قانونگذار در ابتدای بند «ه» از ماده نخست ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی را در زمره شرایط تحقق جرم شمرده است، باید کلمه مردم را علاوه بر اشخاص حقیقی، شامل اشخاص حقوقی نیز دانست؛ با این قید که کلمه مردم ظهور در اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی دارد. بنابراین وصول وجوه کلان از وزارتخانه‌ها، ادارات، سازمان‌ها و شرکت‌هایی که اکثریت سهام آن‌ها متعلق به دولت است، تحت عنوان بزه فوق، تحت تعقیب و مجازات قرار نمی‌گیرد. در صورت اجتماع سایر شرایط، ممکن است که چنین رفتاری تحت عناوین مجرمانه‌ای نظیر اختلاس، کلاهبرداری یا تحصیل مال از طریق نامشروع، قابل تعقیب کیفری و مجازات باشد.

۳-۱-۱. نتیجه مجرمانه

بزه مذکور، مقید به نتیجه بوده و حصول نتیجه یعنی «حیف و میل اموال مردم» و «اخلال در نظام اقتصادی کشور» برای تحقق جرم موصوف ضروری است. بنابراین وصول وجوه کلان از مردم به قصد اتلاف و به یغما بردن وجوه یا اخلال در نظام اقتصادی، اگر در اثر دخالت عوامل خارج از اراده، به نتایج مقصود منتهی نگردد، اقدام مرتکب را می‌توان تحت عنوان شروع به جرم، تحت تعقیب و مجازات قرار داد.

استفاده از حرف «یا» به جای حرف «و» میان دو عبارت «حیف و میل اموال مردم» و «اخلال در نظام اقتصادی» در مقررۀ فوق را باید حمل بر مسامحه و بی‌توجهی قانونگذار نمود و اتلاف سپرده‌های مردمی را به عنوان یکی از شرایط لازم برای ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور، موضوع بند «ه» از ماده نخست قانون

مذکور را بنا به دلایل ذیل، مورد پذیرش قرار داد:

۱. عنوان قانون حاکم بر رفتار مجرمانه فوق، «قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور» است و ماده نخست قانون فوق نیز در مقام تعیین مصادیق رفتارهای مخل نظام اقتصادی کشور است. بنابراین کاملاً بی‌معناست که قانون‌گذار در قانون ناظر بر مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور، اقدام به تعریف رفتارهای مجرمانه‌ای نماید که منتهی به اخلا ل در نظام اقتصادی کشور نمی‌شوند.
 ۲. قانون‌گذار در ماده ۲ قانون مذکور، تنها در مقام تعیین مجازات اخلا ل عمده و غیر عمده در نظام اقتصادی کشور برآمده است. در صورتی که معتقد به وجود بزهی تحت عنوان وصول وجوه کلان از اشخاص منتهی به حیف و میل اموال بدون ایجاد اخلا ل در نظام اقتصادی کشور در قانون مذکور باشیم، لاجرم باید پذیریم که قانون‌گذار در خصوص مجازات رفتارهای مجرمانه‌ای که منتهی به اخلا ل در نظام اقتصادی کشور نمی‌شوند، ساکت است. جرم‌انگاری یک رفتار بدون تعیین مجازات برای آن، از قانون‌گذار حکیم بعید است. بدیهی است که در خصوص این رفتارها باید به عناوین عام مجرمانه مذکور در سایر قوانین مراجعه کرد.
 ۳. در عالم واقع، تصور ایجاد اخلا ل در نظام اقتصادی کشور از طریق وصول وجوه کلان از اشخاص، بدون اتلاف سپرده‌های مردمی بسیار دشوار است. به عبارت دیگر، اخلا ل در نظام اقتصادی کشور به صرف جذب سپرده اشخاص و بدون اتلاف این سپرده‌ها، به سختی قابل تحقق است.
- «حیف و میل اموال مردم» عنوان عام و مبهمی است که به صور مختلفی قابل تفسیر است. «حیف» از منظر لغوی به افسوس و پشیمانی معنا شده است (معین، ۱۳۶۲: ۱۳۵) و «میل» نیز به معنای خواهش، آرزو و رغبت آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۶۳۸). با این حال از لحاظ اصطلاحی، حیف کردن اموال، ظهور در اتلاف غیر عمدی اموال و میل کردن اموال، ظهور در استفاده و تصاحب عمدی اموال دارد. عنوان حیف کردن اموال مردم به اندازه‌ای موسع است که مصادیق متعددی را در بر می‌گیرد؛ حال آنکه در عقود همچون مضاربه و نظایر آن (چون صلح سرمایه)، خطر ضایع شدن اموال جزء شرایط طبیعی چنین عقود است و کسی که سرمایه‌ای را برای تجارت در اختیار

دیگری قرار می‌دهد، خطر حیف شدن اموال خود را نیز به طور ضمنی پذیرفته است. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که مراد مقنن از این عنوان، ناظر به حالاتی باشد که به صورت غیر عمد و بر اثر مخاطرات طبیعی موجود در تجارت، سرمایه‌افراد از بین می‌رود. لذا اصلاح این عبارت در ماده فوق ضروری است. ضمن اینکه اصل عمدی بودن جرایم نیز اقتضا دارد که اتلاف غیر عمدی سپرده‌ها از شمول ماده خارج باشد. ضمناً لزومی ندارد که حیف و میل اموال مردم همراه با تقلب یا مانورهای متقلبانه باشد.

همچنین عبارت «اخلال در نظام اقتصادی» نیز تا اندازه زیادی مبهم و قابل تفسیر است، به طوری که بدون وجود یک معیار قانونی به سختی می‌توان تشخیص داد که چه رفتاری مخل نظام اقتصادی است. با این حال اگر نظام اقتصادی را به مجموعه مرتبط و منظم عناصری تعریف کنیم که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیشترین موفقیت فعالیت می‌کنند (نمازی، ۱۳۸۷: ۳۷)، رفتارهای مخل نظام اقتصادی را باید مشتمل بر رفتارهایی دانست که نظام موجود در ساختار تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات را مختل کرده و موجب ایجاد عسر و حرج برای مردم یا بخش قابل توجهی از آنان می‌گردند (ابراهیمی و صادق‌نژاد نائینی، ۱۳۹۲: ۱۵۲/۵).

کلان بودن وجوه دریافتی، یکی از معیارهای تشخیص ایجاد یا عدم ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور است که در همین راستا، قانون‌گذار در تبصره ماده ۱ قانون فوق، به قاضی اختیار جلب نظر مراجع ذی‌ربط را به منظور احراز عمده و کلان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای ماده ۱ قانون مذکور داده است. لازم به توضیح است که قانون‌گذار خود نیز در مورد اخلال در نظام اقتصادی برای تشخیص عمده، کلان یا فراوان بودن اقدامات مندرج در ماده ۱، معیاری عرفی و نه قانونی ارائه داده است. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین شیوه احراز ایجاد اخلال در نظام اقتصادی کشور توسط مراجع قضایی، مقایسه و سنجش نسبت عواید ناشی از اخلال در نظام اقتصادی با هر یک از متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، میزان نقدینگی کشور و سرمایه شبکه بانکی است. در چنین مواردی، مقام قضایی ناگزیر از جلب نظر مراجع ویژه کارشناسی همچون بانک مرکزی است.

به دلیل وجود سردرگمی برای معیار عمده بودن، کلان بودن و فراوان بودن، قانون‌گذار برای رفع این نقص و نیز پاسخ به این مسئله که اگر این جرایم، عمده، کلان و فراوان نباشند تکلیف چیست؟ ماده واحده قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن را در سال ۱۳۸۴ به تصویب رساند (مهدوی پور، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

زمانی که کوچک‌ترین تردیدی در ذهن دادرسان نسبت به عمده، کلان و فراوان بودن خسارات وارده ایجاد می‌شود، می‌توانند به راحتی بر مبنای تبصره ۱ ماده ۲ قانون فوق، به صدور حکم و تعیین مجازاتی خفیف‌تر مبادرت ورزند.

۲-۱. رکن روانی جرم

سوءنیت عام لازم برای تحقق جرم موضوع این نوشتار، قصد وصول وجوه کلان از مردم در قالب سپرده است. با عنایت به اصل عمدی بودن جرایم، سوءنیت خاص لازم برای تحقق این جرم نیز قصد حیف و میل اموال مردم یا اختلال در نظام اقتصادی کشور است. ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) اشعار می‌دارد:

هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از ۵ سال تا ۲۰ سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت، دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد، حکم خواهد داد.

قانون‌گذار با آوردن عباراتی نظیر «قصد ضربه زدن به نظام» یا «قصد مقابله با نظام»، احراز قصد مستقیم مرتکب در دستیابی به اهداف مذکور را به منظور تشدید مجازات از ۵ تا ۲۰ سال حبس به اعدام برگزیده است. لیکن در صورت عدم احراز چنین قصدی در اخلا لگران، قانون‌گذار با آوردن عبارت «یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور» به قصد غیر مستقیم یا تبعی نیز توجه داشته است. با این توضیح که در فرض اخیر، با ایجاد اختلال عملی در نظام اقتصادی کشور، این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا مؤثر بودن اقدامات مجرمانه در مقابله با نظام جمهوری

اسلامی ایران و ایجاد چالش جدی برای نظام مزبور در نتیجه ارتکاب اقدامات مجرمانه، برای یک فرد متعارف در شرایط ارتکاب رفتار مجرمانه، قابل پیش‌بینی بوده است یا نه؟ در صورت احراز قابلیت پیش‌بینی چنین آثاری توسط یک فرد متعارف، به منظور تشدید مجازات از ۵ تا ۲۰ سال حبس به اعدام، دیگر نیازی به احراز قصد مستقیم مقابله با نظام یا قصد ضربه زدن به آن وجود ندارد. در چنین فرضی، بار اثبات عدم آگاهی و پیش‌بینی بروز چنین آثاری برای رهایی از مجازات اعدام بر دوش خود مرتکب خواهد بود.

به رغم اینکه قانون‌گذار در ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، از عبارت «قصد ضربه زدن به نظام» یا «قصد مقابله با نظام» استفاده نموده است، به نظر می‌رسد منظور مقنن از قصد، همان انگیزه باشد؛ چه، سوءنیت عامّ بزه فوق، قصد تحصیل وجوه کلان و سوءنیت خاصّ آن نیز قصد اتلاف اموال یا اخلال در نظام اقتصادی است که فقدان هر یک از آنها موجب عدم تحقق بزه مذکور می‌شود. لیکن علی‌الاصول انگیزه - جز در موارد استثنایی آن هم با تصریح مقنن - از اجزای عنصر معنوی جرم نبوده و تنها در تشدید و تخفیف مجازات مؤثر است. بنابراین مقنن وجود انگیزه ضربه زدن به نظام یا مقابله با نظام را در مرتکب به منظور تشدید مجازات از ۵ تا ۲۰ سال حبس به اعدام ضروری دانسته است. آن گونه که از ظاهر ماده ۲ قانون فوق برمی‌آید، دارا بودن انگیزه فوق، شرط لازم است ولی شرط کافی نیست و قانون‌گذار برای تحمیل مجازات اعدام بر مرتکب در ماده ۲ قانون فوق، با استفاده از عبارت «چنانچه در حدّ فساد فی الارض باشد»، در حدّ فساد فی الارض بودن اقدامات مرتکب را شرط نموده است. این عبارت قانون‌گذار مبهم و قابل تفسیر است. اقدامات مرتکب باید متصف به چه ویژگی‌هایی باشد تا بتوان آن را مصداق فساد فی الارض دانست؟ به نظر می‌رسد عنوان فساد فی الارض را باید معادل اخلال در نظام اقتصادی به صورت عمده، گسترده و کلان دانست و فساد فی الارض را محدود به مواردی کرد که رفتار مرتکب، آثار منفی و مخرب عمومی و فراگیر داشته و آثار منفی آن فراتر از چند نفر یا چند خانواده باشد. بنابراین اقدامات مرتکب باید واجد جنبه عمومی بوده و آثار آن به کل یا بخش قابل توجهی از جامعه بازگردد (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

به کار بردن عبارات «به طور گسترده»، «ورود خسارات عمده» و «در حد وسیع» در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مبین ضرورت جنبه عمومی داشتن رفتار مرتکب به منظور شمول عنوان افساد فی الارض بر رفتار وی است.^۱

مراجعه به مشروح مذاکرات مجلس پیش از تصویب قانون مذکور مشخص می‌سازد که عبارت «چنانچه در حد فساد فی الارض باشد»، در طرح قانونی مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور که به منظور تأیید به شورای نگهبان ارائه شده بود، وجود نداشته و عبارت فوق پس از ایراد شورای نگهبان و به منظور تأمین نظر این شورا توسط مجلس به قانون اضافه شده است.^۲ بنابراین باید قائل شویم که به صرف ایجاد اخلا ل عمده و گسترده در نظام اقتصادی کشور و احراز انگیزه مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا انگیزه ضربه زدن به آن یا علم به مؤثر بودن اقدامات در مقابله با نظام مزبور، لاجرم افساد فی الارض تحقق یافته و مرتکب مستوجب مجازات اعدام خواهد بود و وجود چیزی اضافه بر آن شرط نیست. بنابراین عبارت «چنانچه در حد فساد فی الارض

۱. از آیه ۳۳ سوره مائده به عنوان مبنای فقهی جرم‌انگاری افساد فی الارض، تحت عنوان مجرمانه‌ای مستقل از محاربه در حقوق کیفری ایران یاد می‌شود. به رغم آنکه آیه مذکور به محاربه و افساد فی الارض اشاره دارد، مطابق نظر قاطبه فقها، این آیه صرفاً در مقام جرم‌انگاری محاربه بوده و نمی‌توان جرم‌انگاری افساد فی الارض را از آن استنباط نمود (نجفی، ۱۳۶۷: ۵۱/۴۲؛ مرعشی، ۱۳۷۰: ش ۴۴/۲؛ فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۸). صرف نظر از ایراد فوق، یکی دیگر از انتقادات وارد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، گستردگی دامنه جرم‌انگاری افساد فی الارض است. قانون‌گذار در ماده مذکور با استفاده از عبارات کلی و مبهم نظیر «به طور گسترده»، «ورود خسارات عمده» و «اخلا ل شدید در نظم عمومی کشور»، رفتارهای متعددی را موجب تحقق افساد فی الارض دانسته است. این در حالی است که استفاده از عبارات کلی و مبهم که معیار کمی و مشخصی برای احراز آن‌ها وجود ندارد، با عنایت به امکان تحمیل مجازات شدید اعدام بر مرتکب توسط محاکم از طریق تفسیرهای متفاوت از ماده مذکور، ناقض شدید حقوق و آزادی‌های فردی و خلاف صریح اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست.

۲. تبصره ۲ ماده واحده طرح قانونی مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور که توسط مجلس سوم در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۷ به منظور تأیید به شورای نگهبان ارائه شده بود، مقرر می‌داشت: «در هر یک از موارد فوق چنانچه اخلا ل به صورت مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا ضربه زدن به آن انجام شده باشد، مرتکب به اعدام محکوم و در غیر این صورت به حبس از ۵ تا ۲۰ سال محکوم خواهد شد و در هر دو صورت، دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، متخلف را به ۲۰ تا ۷۵ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید». (روزنامه رسمی، ۱۳۶۹/۴/۲۷: ش ۱۳۳۴۸/۳۰).

باشد»، در ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) زاید بوده و واجد آثار حقوقی نیست. لزوم دارا بودن قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد مقابله با آن به منظور صدق عنوان افساد فی الارض بر رفتار مرتکب در ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، قابل انتقاد است؛ چه آنکه عنوان افساد فی الارض همان طور که ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز به درستی اشاره دارد، تنها ناظر به رفتارهای فسادآوری است که جنبه گسترده و عمومی داشته و موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور یا ورود خسارات عمده به اموال عمومی و خصوصی شود. بنابراین دخالت دادن قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد مقابله با حکومت، به عنوان شرایط لازم و حتمی برای تحقق افساد فی الارض کاملاً بدون وجه است.

با مراجعه به مشروع مذاکرات مجلس شورای اسلامی مشخص می شود که عدم مدخلیت قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی در تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور و افساد فی الارض، مورد توجه برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز قرار گرفته و یکی از نمایندگان مجلس سوم در صحن علنی مجلس اظهار داشته است:

... ما تصور می کنیم تمام کسانی که در این کشور، اخلال در نظام اقتصادی می کنند آدم های ضد انقلاب، ضد نظام، بی دین، بی نماز و لامذهب هستند. اینها را می شود اعدام کرد. اصلاً این چنین نیست. فردی از اینها ممکن است اهل نماز جمعه هم باشد. اهل دیانت باشد، اهل حجاب باشد، هیچ مخالفتی هم با نظام جمهوری اسلامی ندارد، تنها به دنبال پول هست... او به دنبال سودجویی و کسب منفعت مادی است. کاری به اینکه حالا آیا این اخلال است یا نیست؟ در حد فساد فی الارض هست یا نیست؟ اصلاً در این فازها نیست. او می خواهد یک درآمد کلان نامشروعی را به دست بیاورد و ما می خواهیم با او مقابله بکنیم. آیا این مقابله مستلزم آن است که الا و لابد مجازاتش اعدام باشد یا نه؟ مجازات اعدام مواردی دارد و محدود است... (روزنامه رسمی، ۱۳۶۹/۹/۱۹؛ ش ۱۳۴۳۷/۸).

هرچند قانون گذار در ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، صراحتاً وجود قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن را در زمره شرایط لازم برای احراز افساد فی الارض آورده است، با بررسی تعریف و تفکیک عناوین مجرمانه «افساد فی الارض» و «بغی» در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و همچنین تحلیل مشروع مذاکرات مجلس سوم به

شرح فوق، این انتقاد به قانون‌گذار وارد است که قصد مقابله با نظام یا ضربه زدن به آن، به صورتی کاملاً ناروا در زمره شرایط لازم برای تحقق افساد فی الارض آورده شده است و اصولاً قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا مقابله با آن، ارتباطی با جرم افساد فی الارض نداشته و در صورت احراز جمیع شرایط، نهایتاً شاید بتوان اقدامات مرتکب را تحت عنوان بغی به موجب مواد ۲۸۷ و ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت تعقیب کیفری قرار داد.^۱

مطابق نص ماده ۲۸۶ قانون فوق، تحقق افساد فی الارض تنها منوط به ایجاد اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور و احراز قصد اخلاص گسترده در آن است و قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران نقشی در تحقق آن ندارد.

افرادی که قصد مقابله با نظام را دارند، در صورتی که به قیام مسلحانه علیه نظام مبادرت ورزند، مطابق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، باغی محسوب و به مجازات اعدام محکوم می‌شوند و در صورتی که موفق به قیام مسلحانه علیه حکومت نشوند، مطابق ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی، حسب مورد به مجازات تعزیری درجه ۳ یا ۵ محکوم می‌شوند. بنابراین عناوین مجرمانه «بغی» و «افساد فی الارض» که دو عنوان مجزا هستند به صورتی کاملاً ناروا توسط قانون‌گذار خلط شده‌اند.

۲. تعدد معنوی بزه اخلاص در نظام اقتصادی کشور با جرایم کلاهبرداری و اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی

با توجه به اینکه قبول سپرده کلان اشخاص، نوعی عملیات بانکی محسوب می‌شود که

۱. قانون‌گذار همین اشتباه را در ماده ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز تکرار کرده است. به موجب ماده فوق، در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت پذیرد و منجر به اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، مرتکب مطابق مقررات قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ مجازات می‌شود. مطابق قانون اخیر نیز اخلاص گسترده در نظام اقتصادی کشور به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن، مشمول عنوان افساد فی الارض و مستوجب مجازات اعدام شناخته شده است. این در حالی است که انگیزه اشخاص از قاچاق کالا و ارز در اکثریت قریب به اتفاق موارد، کسب منفعت اقتصادی است و چنین اشخاصی نه تنها در پی براندازی نظام حاکمیتی نیستند، بلکه به دنبال استقرار و تداوم وضع موجود به منظور سوءاستفاده حداکثری خود هستند.

اشتغال به آن نیازمند اخذ مجوز از بانک مرکزی است و همچنین با عنایت به اینکه عنوان مجرمانه مذکور در اکثریت قریب به اتفاق موارد، منتهی به حیف و میل اموال با توسل به شیوه‌های متقلبانه می‌گردد، تعامل عنوان مجرمانه فوق در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، با عناوین مجرمانه اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی و کلاهبرداری قابل بحث و بررسی است.

۱-۲. تعدّد معنوی بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور با بزه کلاهبرداری

با توجه به اینکه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص، بدون توسل به مانورهای متقلبانه و تحقق اتلاف گسترده اموال مردم در عالم خارج به ندرت قابل تحقق است، در اکثریت قریب به اتفاق موارد، اخلال در نظام اقتصادی کشور موضوع بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) با حیف و میل اموال مردم از طریق توسل به شیوه‌های متقلبانه توأم می‌گردد که در چنین حالتی، احکام تعدد معنوی جرم موضوع ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بر رفتار مجرمانه ارتكابی بار می‌گردد و مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌گردد. از یک سو رفتار ارتكابی به دلیل وصول سپرده کلان از اشخاص منتهی به حیف و میل اموال یا اخلال در نظام اقتصادی کشور، مشمول بند «ه» از ماده ۱ قانون فوق است و از سوی دیگر، همان رفتار ارتكابی به دلیل اتلاف اموال با توسل به مانورهای متقلبانه، حسب مورد مشمول مواد ۱ و ۲۴ ق.ت.م.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷) است؛ برای مثال در مواردی که اخلال در نظام اقتصادی، عمده و کلان نباشد، مطابق تبصره ۱ ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)،

۱. ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷: «هر کس از راه حيله و تقلب... وجوه یا اموال یا اسناد یا حواله‌جات یا قبوض یا مفاصحا حساب و امثال آنها را تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۱ تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود...».
۲. ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود».

مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد. حال چنانچه رفتار مجرمانه وی هم‌زمان مشمول عنوان کلاهبرداری موضوع ماده ۱ ق.ت.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷) نیز باشد، با توجه به اینکه مجازات کلاهبرداری در مقرره اخیر، ۱ تا ۷ سال حبس است، مجازات کلاهبرداری که اشد است، بر رفتار مرتکب بار می‌گردد. در مواردی نیز که کلاهبرداری مطابق ماده ۴ قانون مذکور به صورت بانندی و شبکه‌ای ارتکاب می‌یابد و اقدامات مرتکب یا مرتکبان نیز در حد افساد فی الارض نیست، مرتکب یا مرتکبان به حبس از ۱۵ سال تا حبس ابد محکوم می‌شوند که اشد از مجازات مقرر در تبصره ۱ ماده ۲ ق.ت.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۹) بوده و در صورت تعدد معنوی، بر رفتار مرتکب بار می‌گردد.

در مواردی نیز که اخلال عمده در نظام اقتصادی کشور از مجرای تشکیل و رهبری شبکه کلاهبرداری در کشور صورت می‌گیرد، در فرض شمول قواعد تعدد معنوی، با عنایت به اشد بودن مجازات مقرر برای کلاهبرداری شبکه‌ای موضوع ماده ۴ ق.ت.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷)، مجازات جرم اخیر که حبس از ۱۵ سال تا ابد می‌باشد بر مرتکب تحمیل می‌گردد.

بر اساس ماده ۴ ق.ت.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷)، هر گاه کلاهبرداری از راه تشکیل شبکه چند نفری یا رهبری آن صورت گیرد، مجازات مرتکبان حتی سنگین‌تر از کلاهبرداری مشدد موضوع قسمت ذیل ماده ۱ قانون اخیر تعیین شده است. منظور از شبکه چند نفری عرفاً باند متشکل سه نفر به بالاست که مستلزم تبانی میان اعضای آن است وگرنه اگر مرتکبان دو نفر باشند، بحث شرکت در جرم به طور عادی مطرح است. تشکیل باند ارتکاب جرایم، همواره به صورت جمع شرکا نیست و ممکن است که به صورت مباشر و معاون واقع شود. پس محدود کردن تشکیل باند به صورت شرکت در جرم دلیل ندارد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۳۵۱).

برای آنکه کلاهبرداری مصداق افساد فی الارض باشد، علاوه بر عناصر اختصاصی، مرتکبان باید قصد افساد نیز داشته باشند. منظور از قصد در این مورد، انگیزه است و این از موارد استثنایی تأثیر انگیزه در تشدید مجازات است (همان: ۳۵۲).

در خصوص شمول عنوان افساد فی الارض بر رفتار مرتکب در صورت اتلاف اموال

مردم از طریق قبول سپرده اشخاص، محاکم بیشتر تمایل به استناد به ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۴ ق.ت.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷) و تعقیب متهمان تحت عنوان کلاهبرداری دارند و در عمل، بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، مجال چندانی برای استناد در محاکم نمی‌یابد. ضمن اینکه به موجب قانون اخیر، شرط تحقق افساد فی الارض، احراز قصد مقابله با نظام یا قصد ضربه زدن به آن است که احراز چنین قصدی نزد مرتکبان در عمل بسیار دشوار است و افرادی نیز که اقدام به اخذ وجوه کلان از اشخاص در قالب قبول سپرده و کلاهبرداری کلان از آنان می‌نمایند، اغلب فاقد چنین قصد و انگیزه‌ای بوده و سودجویی‌های شخصی و انگیزه‌های مادی، محرک اصلی آنان در ارتکاب چنین رفتارهای مجرمانه‌ای است.

رأی صادره از یکی از محاکم تهران در خصوص عنوان اتهامی مذکور در رأی یعنی «کلاهبرداری و حیف و میل اموال مردم از طریق صدور چک‌های بلامحل عدیده و فریب دادن و امیدوار کردن مردم به امور غیر واقع و جذب سپرده اشخاص حقیقی تحت عنوان مضاربه» قابل توجه است:

... دادگاه با توجه به اعترافات صریح متهم در مصاحبه ویدئویی و مراحل دادرسی و دادگاه، منعکس در صورت جلسات تنظیمی در پرونده‌های اصلی و مرتبط و ملاحظه لایحه وکیل متهم و مدارک موجود در پرونده، گزارش نماینده دادگاه در شرکت مضاربه‌ای متهم، بر دادگاه محقق گردید که متهم با تشکیل و رهبری یک شبکه چندنفری تحت عنوان شرکت مضاربه‌ای اقدام به کلاهبرداری و اخذ وجوه کلان از مردم نموده و از راه فریب و نیرنگ و داشتن مؤسسات موهوم و پرداخت سودهای بی‌ضابطه، مردم را به امور غیر واقع امیدوار نموده، لذا بزه انتسابی به متهم محرز و مسلم است. دادگاه توجهاً به ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی و انطباق بزه مذکور با قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، آقای «الف» را به اتهام ماده ۴ قانون مازالذکر علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقول که از وی شناسایی شده به نفع طلبکاران و تأدیة باقی‌مانده طلب دیان به میزان دو بیست و پنجاه میلیارد ریال، مفسد فی الارض تشخیص و به اعدام محکوم نمود. رأی صادره در مهلت قانونی قابل تجدیدنظر در دیوان عالی کشور است.

به رغم عدم استناد دادرس محترم به بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، استفاده از عباراتی نظیر «حیف و میل اموال مردم»، «تحت عنوان مضاربه» و «جذب سپرده اشخاص» در دادنامه فوق، مبین آن است که قاضی صادرکننده رأی، به عنوان مجرمانه مذکور در مقرره اخیر نظر داشته است. این امر می‌تواند چند دلیل داشته باشد؛ از جمله اینکه احراز وقوع اخلال در نظام اقتصادی کشور، عمده یا غیر عمده بودن اخلال صورت گرفته، افساد فی الارض و قصد نیل به این مقاصد، در عمل بسیار دشوار می‌نماید. ضمن اینکه برای احراز وقوع افساد فی الارض، ابتدا باید قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا قصد ضربه زدن به آن در متهمان احراز گردد که اثبات این موارد توسط مرجع قضایی کار آسانی نیست.

توجه به این نکته ضروری است که اکثریت قریب به اتفاق متهمان به اخلال در نظام اقتصادی کشور، فاقد قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی یا ضربه زدن به آن بوده و منفعت طلبی‌های شخصی و انگیزه تحصیل سود کلان در کوتاه‌ترین زمان و با آسان‌ترین روش‌ها، محرک آنان در ارتکاب چنین رفتارهای مجرمانه‌ای بوده است.

شایان ذکر است که شرایط احراز افساد فی الارض مذکور در ماده ۴ ق.ت.م.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷)، بسیار آسان‌تر از شرایط احراز افساد فی الارض در بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) است. ضمن اینکه نتیجه در هر دو ماده قانونی یکی است؛ یعنی حکم به اعدام در نتیجه احراز افساد فی الارض برای محکومیت شخصی به افساد فی الارض به دلیل ارتکاب کلاهبرداری‌های بانندی و شبکه‌ای موضوع ماده ۴ ق.ت.م.م.ا.ا.ک. (۱۳۶۷)، نیازی به احراز اخلال در نظام اقتصادی کشور، آن هم در سطح کلان ندارد. همچنین احراز انگیزه ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی یا مقابله با آن یا علم به مؤثر بودن اقدامات در مقابله با نظام مزبور نیز در متهمان ضرورتی ندارد. احراز اخلال در نظام اقتصادی کشور آن هم در سطح عمده و کلان، در عالم خارج بسیار سخت و دشوار است. در صورت احراز اخلال در نظام اقتصادی کشور نیز این اخلال، در عمل توأم با حیف و میل اموال مردم با توسل به مانورهای متقلبانه است. طبیعی است که قاضی صادرکننده رأی با توجه به دشواری‌های اثبات اخلال در نظام اقتصادی کشور و احراز قصد مقابله با نظام، از استناد به عنوان اتهامی اخلال در نظام

اقتصادی کشور، موضوع بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) صرف نظر کرده و به ماده ۴ ق.ت.م.م.ا.ک. (۱۳۶۷)، به منظور محکومیت مرتکب یا مرتکبان به افساد فی الارض استناد جوید.

۲-۲. تعدد معنوی بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور با بزه اشتغال

غیر مجاز به عملیات بانکی

با توجه به اینکه وصول وجوه کلان از اشخاص در قالب عقود همچون مضاربه و مشارکت مدنی، نوعی عملیات بانکی محسوب می شود که اشتغال به آن نیازمند اخذ مجوز از بانک مرکزی است و حسب مورد، مشمول بند «ب» از ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور یا تبصره ۴ ماده ۱ ق.ت.ب.غ.م.پ. (۱۳۸۳) است، تعامل بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص با بزه اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی از حیث شمول احکام تعدد معنوی موضوع ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل بررسی است.

بند «ب» از ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱، تأسیس بدون مجوز بانک و اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی را جرم انگاری کرده و مجازات حداکثر ۶ ماه حبس را برای متخلفان مقرر نموده است. تبصره ۴ ماده ۱ ق.ت.ب.غ.م.پ. (۱۳۸۳) نیز ادامه فعالیت و اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی را بدون اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی جرم انگاری کرده و متخلفان را مستحق تحمل مجازات حداکثر ۶ ماه حبس می داند.

در این باره، رأی صادره از یکی از شعب محاکم کیفری اصفهان قابل بررسی است: در خصوص اتهام آقایان ۱. «غ گ» ۲. «م ه» ۳. «ع ب» ۴. «ع گ» ۵. «ع ش» ۶. «س ق»، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل صندوق قرض الحسنه... دایر بر مشارکت در اخلال در نظام اقتصادی و نظام پولی و بانکی کشور، موضوع شکایت بانک مرکزی ایران... دادگاه با توجه به مجموع اوراق و محتویات پرونده، نظر به شکایت بانک مرکزی و نظریات کارشناسان رسمی دادگستری منضم در پرونده که مصون از ایراد و اعتراض مؤثر مانده و گزارش ضابطین دادگستری و دفاعیات غیر موجه متهمین و وکیل متهم ردیف ششم در خلال رسیدگی و سایر قراین و شواهد

موجود در پرونده، بزه‌های انتسابی به متهمین موصوف را محرز و مسلم دانسته، لذا مستنداً به بند «ب» ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ و بند «ه» ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و قانون الحاق یک بند و تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور و اصلاح تبصره ۱ ماده ۲ آن مصوب ۱۳۸۴ و با توجه به اینکه مورد از موارد تعدد معنوی جرم است، با رعایت ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ متهم ردیف اول را به تحمل ۷ سال حبس تعزیری و متهم ردیف دوم را به تحمل ۶ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم می‌نماید و در خصوص تعیین جزای نقدی نظر به اینکه دلیل کافی بر تحصیل مال ناشی از جرم از سوی متهمین در پرونده به دست نیامد، دادگاه از این جهت با تکلیفی مواجه نیست... رأی صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان محترم عالی کشور می‌باشد.

همان طور که از صراحت متن رأی صادره برمی‌آید، با توجه به اینکه در نتیجه ارتکاب اعمال مجرمانه، مالی تحصیل یا حیف و میل نگردیده است، توسل به عنوان مجرمانه کلاهبرداری مجاللی برای بروز و ظهور نمی‌یابد.

با توجه به اینکه اقدامات مدیران صندوق قرض الحسنه موضوع شکایت، مصداق اشتغال به عملیات بانکداری خلاف قانون می‌باشد، تخلفات آنان مشمول بند «ب» ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی است که حبس تا ۶ ماه را برای متخلفان مقرر نموده است. از سوی دیگر، همین تخلفات مدیران صندوق، از نظر دادگاه، مصداق وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده منتهی به اخلا ل عمده و گسترده در نظام اقتصادی موضوع بند «ه» از ماده ۱ و ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) است که مستلزم حبس از ۵ تا ۲۰ سال و جزای نقدی معادل اموال حاصل از جرم است.

در هر صورت، قاضی صادرکننده رأی، مورد را مصداق تعدد معنوی موضوع ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ - که توسط ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ منسوخ گردیده - دانسته و مجازات اشد را که مجازات اخلا ل در نظام اقتصادی است، برای مرتکبان تعیین نموده است.

نکته حائز اهمیت اینکه فعالیت صندوق موضوع رأی، محدود به شهر اصفهان بوده و نمی‌توان قائل به وقوع اخلال در نظام اقتصادی در سطح کشور، آن هم به صورت کلان و گسترده بود. همچنین در رأی صادره نیز دلایلی که حکایت از حیف و میل اموال سپرده‌گذاران باشد، ارائه نگردیده است. تصریح دادگاه صادرکننده حکم به عدم تکلیف دادگاه به تعیین جزای نقدی به علت عدم وجود ادله در خصوص تحصیل مال ناشی از جرم، خود شاهدهی بر این مدعاست. تحقق اخلال در نظام اقتصادی کشور بدون اتلاف سپرده‌های مردمی، در عالم واقع بسیار بعید به نظر می‌رسد. ضمن اینکه فعالیت محدود یک صندوق قرض‌الحسنه در سطح شهر اصفهان با گردش مالی که شاید از ۱۰ میلیارد تومان نیز تجاوز نمی‌نماید، نمی‌تواند مخّل نظام اقتصادی یک کشور به صورت عمده و کلان باشد.

بنابراین رأی صادره از این جهت قابل نقد است که اقدامات متهمان به هیچ وجه مشمول عنوان اتهامی اخلال در نظام اقتصادی کشور نبوده و تنها با احراز سایر شرایط، می‌توان متهمان را تحت عنوان اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی موضوع بند «ب» از ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور تحت تعقیب و مجازات قرار داد که حداکثر ۶ ماه حبس را برای مرتکبان مقرر نموده است.

۳. مجازات اخلال در نظام اقتصادی کشور

در خصوص مجازات مقرر برای بزه وصول وجوه کلان منتهی به حیف و میل اموال یا اخلال در نظام اقتصادی کشور، قانون‌گذار مطابق تبصره ۱ ماده ۲ که در سال ۱۳۸۴ به قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور الحاق گردید، در مواردی که اخلال در نظام اقتصادی کشور، عمده، کلان یا فراوان نباشد، ۶ ماه تا ۳ سال حبس و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده، برای مرتکب پیش‌بینی نموده است. لیکن قانون‌گذار بسته به نتایج حاصل از جرم و انگیزه مرتکب، اقدام به تشدید مجازات نموده است. مطابق قسمت نخست ماده ۲ قانون مذکور، در صورتی که اخلال در نظام اقتصادی به صورت عمده و کلان باشد، مرتکب به حبس از ۵ تا ۲۰ سال و ضبط کلیه اموال حاصل از طرق غیر قانونی به عنوان جزای

نقدی محکوم می‌شود. لیکن در صورت عمده و کلان بودن اخلال در نظام اقتصادی کشور و وجود انگیزه مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد ضربه زدن به آن یا علم به مؤثر بودن اقدامات مجرمانه در مقابله با نظام مزبور، مرتکب مفسد فی الارض محسوب شده و به مجازات اعدام محکوم می‌گردد. دادگاه علاوه بر مجازات‌های فوق می‌تواند مرتکب را به تحمل ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

شایسته بود قانون‌گذار در مقرره فوق نیز همانند تبصره ۱ ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، ناظر بر مجازات اخلال غیر عمده در نظام اقتصادی کشور، قاضی را مکلف به صدور حکم به رد اصل اموال ناشی از جرم، بدون مطالبه و تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی از سوی مالباختگان می‌نمود.

مطابق تبصره ۴ از ماده ۲ قانون فوق، کلیه افرادی که با استناد به یکی از مواد قانون مذکور و تبصره‌های آن، به صورت قطعی به یکی از مجازات‌های این قانون محکوم شوند، حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آن محکوم خواهند شد. همچنین به موجب تبصره ۵ از ماده ۲ قانون فوق، هیچ یک از مجازات‌های مقرر در ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزایهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

انگیزه مالی افراد در ارتکاب جرایم منتهی به اخلال در نظام اقتصادی کشور، کیفر مالی را به کیفری کارآمد در مقابله با این جرایم تبدیل می‌نماید، مشروط به اینکه میزان و نحوه کیفر و پرداخت آن به گونه‌ای باشد که هدف بازدارندگی را برآورده سازد (روستایی، ۱۳۸۸: ۸۷).

تعیین کیفر حبس در این قانون، به گونه‌ای است که اختلاف زیادی میان حداقل و حداکثر آن وجود دارد که ایرادات و مفاسدی همچون اعمال سلیق شخصی قضات در تعیین مجازات و تضييع حقوق افراد و عدم تناسب میان شدت جرایم ارتكابی و مجازات‌های تعیینی را در پی دارد (Ristroph, 2005: 273).

نتیجه‌گیری

قانون‌گذار با تصویب بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) در تلاش بوده تا اقدامات متقلبانه عده‌ای را که در قالب شرکت‌ها و مؤسسات، در زمان جنگ تحمیلی و پس از آن به منظور جذب سرمایه‌های افراد از طریق عقود چون مضاربه و نظایر آن انجام می‌دادند، جرم‌انگاری کند. می‌توان چنین اقدامی را یک اقدام بانکی خارج از شبکه نیز دانست؛ زیرا بسیاری تحت عنوان مضاربه یا صلح سرمایه و نظایر آن و تحت لوای تجارت و غیره، سرمایه‌های مردمی را گردآوری و این سرمایه‌ها را بدون نظارت و مجوز بانک مرکزی در راستای منافع خود به کار می‌گیرند.

با توجه به اینکه قبول سپرده اشخاص نوعی عملیات بانکی محسوب می‌شود که اشتغال به آن نیازمند اخذ مجوز از بانک مرکزی است و همچنین با عنایت به اینکه عنوان مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص، در اکثر موارد، منتهی به حیف و میل اموال با توسل به شیوه‌های متقلبانه می‌گردد، عنوان مجرمانه مذکور در ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) با عناوین مجرمانه اشتغال غیر مجاز به عملیات بانکی، موضوع بند «ب» ماده ۴۲ قانون پولی و بانکی کشور و کلاهبرداری موضوع ماده ۱ ق.ت.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۷)، مشمول احکام تعدد معنوی بوده و مطابق ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مرتکب یا مرتکبان به مجازات اشد محکوم می‌شوند.

با کمی تأمل در ماده ۲ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) مشخص می‌شود که قانون‌گذار، وجود قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا ضربه زدن به آن را از شرایط لازم برای احراز افساد فی الارض محسوب نموده است. این در حالی است که مشروح مذاکرات مجلس و همچنین تعریف و تفکیک عناوین مجرمانه «افساد فی الارض» و «بغی» در مواد ۲۶۸ تا ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبین آن است که افساد فی الارض ارتباطی با قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا قصد ضربه زدن به آن ندارد. برای تحقق افساد فی الارض، ایجاد اخلال عمدی و گسترده در نظام اقتصادی کشور کافی است. افرادی که قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران را

دارند، در صورتی که به قیام مسلحانه علیه نظام مباردت ورزند، مطابق ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، باغی محسوب و به مجازات اعدام محکوم می‌شوند و در صورتی که موفق به قیام مسلحانه علیه حکومت نشوند، مطابق ماده ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی، حسب مورد به مجازات تعزیری درجه سه یا پنج محکوم می‌شوند. بنابراین عناوین مجرمانه «بغی» و «افساد فی الارض» دو عنوان مجزا بوده و نباید با یکدیگر خلط شوند. موضوع جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور، نظام اقتصادی کشور است نه نظام سیاسی. در این میان، قانون‌گذار به صورتی کاملاً ناروا به جرم مذکور، چهره‌ای امنیتی بخشیده است تا تعیین مجازات‌های سنگینی همچون اعدام را در افکار عمومی موجه جلوه دهد.

از آنچه بیان شد، این نتیجه مسلم حاصل می‌شود که در ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، ابهامات اساسی در تعریف برخی واژگان کلیدی نظیر «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، «عمده و کلان»، «حیف و میل اموال مردم» و «علم به مؤثر بودن اقدامات در مقابله با نظام جمهوری اسلامی» وجود دارد که با عنایت به امکان تحمیل مجازات‌های سنگینی همچون اعدام بر مرتکبان، وجود ابهامات این‌چنینی که سبب تشتت در صدور آرای قضایی در موارد مشابه، استفاده ابزاری از قانون و نهایتاً تضییع حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص می‌شود، توجیه‌ناپذیر می‌نماید.

تحلیل رویه قضایی نیز مبین آن است که قضات محاکم در مواردی که اقدامات مجرمانه مرتکبان در حد افساد فی الارض است، به دلیل شفافیت و سهولت احراز افساد فی الارض در ق.ت.م.ا.ک. (۱۳۶۷) و همچنین ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به جای استناد به بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹)، بر مبنای ماده ۴ ق.ت.م.ا.ک. (۱۳۶۷) حکم به افساد فی الارض و اعدام مرتکبان می‌دهند.

با عنایت به همپوشانی عنوان مجرمانه اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قبول سپرده اشخاص با بزه کلاهبرداری و همچنین با عنایت به ابهامات موجود در تعریف برخی واژگان کلیدی در قانون اخیر و دشواری احراز ارکان بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور، قضات تمایل چندانی به استناد به بند «ه» از ماده ۱ ق.م.ا.ن.ا.ک. (۱۳۶۹) ندارند؛ از این رو، جرم‌زدایی آن پیشنهاد می‌گردد.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام و مجید صادق‌نژاد نائینی، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲. استفانی، گاستون و ژرژ لواسور و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه علی دادبان، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳ ش.
۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر، تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، تهران، دادگستر، ۱۳۸۹ ش.
۴. همو، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹ ش.
۵. روزنامه رسمی، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۲۵۷، ۲۵۹ و ۳۰۷، تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۵، ۱۳۶۹/۴/۲۷ و ۱۳۶۹/۹/۱۹، شماره‌های ۱۳۳۴۳، ۱۳۳۴۸ و ۱۳۴۳۷.
۶. روستایی، مهرانگیز، ارزیابی مداخله کیفری در حوزه اخلاق در نظام اقتصادی کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸ ش.
۷. زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، جنگل، ۱۳۹۱ ش.
۸. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، آشنج، ۱۳۸۹ ش.
۹. فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه (کتاب الحدود)، چاپ دوم، قم، مرکز فقه الائمه الطهارت (ع)، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی - درس‌هایی از عقود معین ۱، چاپ نهم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. مرعشی، سیدمحمدحسن، «افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل»، مجله حقوقی قضایی دادگستری، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۰ ش.
۱۲. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ چهاردهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. مهدوی‌پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۱۵. نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، چاپ پنجم، تهران، انتشار، ۱۳۸۷ ش.
16. Ashworth, Andrew & Jeremy Horder, *Principles of Criminal Law*, 7th ed., Oxford University Press, 2013.
17. Ristroph, Alice, "Proportionality as a Principle of Limited Government", *Duke Law Journal*, Vol. 55, 2005.

